

وکالت دادگستری در انگلستان

وکالت دادگستری یکی از مشاغل تخصصی و پراچ اجتماعی است که تمام استعدادها و نیروی عقلانی و جسمانی و عاطفه انسانی را در راهی بسیار پرثمر و برای رسیدن به اهداف مقدسی بکار میبرد.

وکیل دادگستری علاوه بر احاطه بمسائل حقوقی و سیاسی و تجاری و معلومات عمومی باید ناطقی بسیار زبردست، نویسنده‌ای توانا و نمونه‌ای از صفا و پاکی و طهارت باشد تا بتواند اطمینان موکل و ارباب رجوع را بخود جلب و دارای نفوذ کلام در جامعه باشد و بالاتر از همه احتیاج به شجاعت اخلاقی و از خودگذشتگی دارد زیرا چنانچه متصف باین صفات نباشد نمیتواند دست یاری بسوی مظلومی دراز نماید.

تاریخ پیدایش چنین حرفه و شغلی در جامعه بشریت را نمیتوان بطور دقیق تعیین کرد ولی قدر مسلم این است که در یونان قدیم و امپراطوری عظیم روم و کلاء و حقوق دانان بزرگی وجود داشتند که آثار آنها در تاریخ قضائی جهان مغلد باقی مانده است.

مارکوس ژولیوس سیسرو (Marcus Jullius Cicero) که در سوم ژانویه سال ۱۰۶ قبل از میلاد در لاتیموم (ایتالیا) پا بعرضه وجود گذاشت، در دعاوی حقوقی و جزائی از موکلین خود دفاع نمود. ۵۷ لایحه دفاعیه وکیل نامبرده امروز وجود دارد و ۸۰ لایحه دیگر نیز برشته تحریر درآورده که فقط عناوین آنها در کتب ضبط گردیده و متون آنها از بین رفته است.

وکیل نامبرده بالاخره در ویلای شخصی خود واقعه در فورمیا شهید راه آزادی گردید. وکالت را در انگلستان نمیتوان از قضاوت جدا نمود و وکالت یکی از

پایه‌های اساسی قوه قضائیه بشمار می‌آید که اهمیت آن بمراتب بیش از قضاوت می‌باشد قضات منحصرأ از بین وکلای دادگستری انتخاب میشوند و مسند قضاوت قائم به وکیل دادگستری می‌باشد. وکیل دادگستری در زندگی اجتماعی، اداری، سیاسی، قضائی، بازرگانی انگلیس نقش بسیار مؤثری بعهده دارد و یک فرد بالغ انگلیسی را نمیتوان پیدا کرد که دارای و موجودی و اسرار شفلی و خانوادگی خود را بوکیلی نسپرده باشد، شرکت بدون مداخله وکیل تشکیل نمیشود و معامله‌ای بدون نظر و مشاور او منعقد نمیگردد و دعوائی اعم از جزائی و حقوقی بدون مباشرت وکیل اقامه نمیشود.

ادوارد هشتم پادشاه برکنار شده انگلیس بمرجری که تصمیم گرفت با بانو سیمپسون زندگانی مشترکی را آغاز نماید رهسپار دفتر وکالت مشاور حقوقی خود گردید تا از نظر صائب او در حل این مسئله استعانت نماید.

وکلا دادگستری در انگلستان به دو طبقه متمایز تقسیم میگردند:

اول سالیسیتور - Solicitor

سالیسیتور به شخصی اطلاق میشود که مدت پنج سال بعنوان کارآموز وکالت (Articled Clerk) زیر دست یکی از وکلای دادگستری کار نموده و از عهده امتحانات مصوبه برآمده و پروانه اشتغال بوکالت را از کانون حقوق (Law Society) دریافت داشته باشد.

در مورد اشخاصی که فارغ التحصیل حقوق از یکی از دانشگاه‌های معتبر باشند مدت کارآموزی ممکن است به سه سال تقلیل یابد.

سالیسیتورها دارای دفتر وکالت بوده و حق پذیرفتن موکلین و انعقاد قرارداد وکالت با آنها و تهیه اسناد و لوایح دفاعی و حق حضور در بعضی از مراجع قضائی را خواهند داشت. هر سالیسیتوری مکلف میباشد که حساب خاصی در بانک با اسم موکلین خود افتتاح نموده و وجوهی که بحساب موکلین خود دریافت میدارد در حساب مذکور منظور نماید.

هر سالیسیتور حق دارد که حداکثر دو نفر را بنام کارآموز وکالت قبول نموده و بآنها فنون و رموز وکالت را از لحاظ نظری و عملی بیاموزد.

موکل قانوناً حق تمقیب سالیسیتور را تحت عنوان قصور در انجام وظایف و یا خیانت در امانت دارد. سالیسیتور در حین اشتغال بوکالت ممکن است در ناحیه‌ای بعنوان قاضی و یا ضوابط قضائی انجام وظیفه نماید و این امر از لحاظ قوانین انگلستان با شغل وکالت مبیانت ندارد. سالیسیتور بدون اذن و موافقت موکل حق سازش با طرف دعوی را ندارد.

چنانچه کار وکالتی که به سالیسیتور ارجاع شده است احتیاج به حضور وکیل در مراجع عالی قضائی داشته باشد سالیسیتور بنا به تشخیص و انتخاب خود کار را به یکی از بریسترها ارجاع مینماید ولی موکل حق مراجعه به بریستر را ندارد.

سالیسیتور در واقع و نفس الامر رابط بین موکل و بریستر میباشد. سالیسیتور حق تعقیب موکل را برای وصول حق الوکاله دارد مشروط بر اینکه صورت حساب خود را برای موکل فرستاده و در ظرف ماه از تاریخ تسلیم صورت حساب حق الوکاله پرداخت نشده باشد.

سالیسیتور مکلف میباشد که هر سال پروانه اشتغال بکار خود را تمدید نماید و الا حق اشتغال بوکالت نخواهد داشت.

دوم - بریستر - Barrister

برای تربیت بریستر چهار مؤسسه حقوقی معتبر وجود دارد که در حین اشتغال باید وکالت وکلای دادگستری را تربیت نموده بآنها اجازه و کالت تفویض نمایند. مؤسسات مذکور باینکه به ثبت نرسیده دارای شخصیت حقوقی و استقلال کامل میباشند.

مؤسسات چهارگانه نامبرده بشرح زیر میباشد:

۱- Lincoln s Inn

۲- The Middle Temple

۳- The Inner Temple

۴- Gray S Inn

اداره مؤسسات مذکور تابع قواعد وصولی است که در اساسنامه های آنها ذکر گردیده است. کلمه Barrister در سال ۱۴۵۵ وارد ترمینولوژی حقوق انگلستان گردید و در سال این کلمه در یکی از قوانین مصوب مجلس عوام انگلیس موسوم به Statute of Sewers بکار برده شد.

باریستر دارای عالیتین مقام حقوقی بوده و حق حضور در مجلس اعیان و دادگاههای استان و SuPreme Court Privy Council دارد.

بریستر نمایندگی کامل موکل را در مراجع عالی قضائی داشته و حق تنظیم لایحه و دفاع از حقوق موکل و ختم دعوی به سازش بدون مراجعه به موکل را واجد میباشد.

بریستر از يك نوع مصونیتی برخوردار میباشد و زمانیکه قصد ورود به دادگاه برای دفاع از موکل خود را دارد هیچ مقامی حق جلب و بازداشت او را ندارد. بریستر از آزادی کامل نطق و بیان عقاید خود بهره مند میباشد و حق دارد در لوایح خود هر مطلبی را که برای دفاع از موکل خود لازم میدانند برشته تحریر در آورد ولی نه در بیان و نه در تحریر حق اهانت به دادگاه را ندارد.

موکل حق تعقیب بریستر را بعنوان لغزش در امر وکالت و یا عدم انجام وظایف وکالتی ندارد. بریستر حق مطالبه و دریافت حق الوکاله و یا حق الزحمه ندارد و وجهی که سالیسیتور به بریستر پرداخت مینماید جنبه تبرعی و افتخاری داشته و قانونا الزامی بپرداخت وجهی بابت خدماتی که بریستر انجام میدهد ندارد.

بریستر حق تماس با موکل را ندارد مگر از طریق سالیسیتور و همچنین مجاز نمیباشد که در محافل و اماکن عمومی در کنار موکل خود ظاهر شود و یکی از مواردی که موجبات تعلیق بریستر را فراهم مینماید ظاهر شدن او در محافل و یا اماکن عمومی در معیت موکل خود میباشد مراد از کلمه «موکل» در اینجا کسی است که در یکی از محاکم طرف دعوی واقع شده باشد بریستر حق هیچگونه تبلیغاتی برای شغل وکالت و جلب موکل ندارد و چنانچه بریستر بنحوی از انحاء راجع به کار وکالتی تبلیغ نماید، دام‌العمر از اشتغال با وکالت محروم خواهد بود

زندگانی اجتماعی بریستر از هر لحاظ مورد توجه میباشد و چنانچه کمترین خدشه و یا نقطه ضعفی در زندگانی اجتماعی و رفتار او دیده شود از جامعه و کلاء طرد گردیده و دیگر حق استعمال کسوت وکالت را نخواهد داشت.

بریستر در جامعه بسیار محترم و معزز و طرف اعتماد و وثوق قاطبه مردم میباشد.

هر بریستر طبق قوانین انگلیس قاضی بالقوه میباشد زیرا قضات عالی‌رتبه فقط از بین بریسترها انتخاب میشوند و فاصله بین وکالت و مسند قضاوت Bench یک قدم میباشد لذا قاضی و بریستر خود را اعضای یک خانواده تلقی کرده و از اعتماد و وثوق متقابل برخوردار میباشند. کلام قاضی برای بریستر و کلام بریستر برای قاضی حجت میباشد و هیچ‌یک کمترین تردیدی نسبت به صدق گفته‌های یکدیگر بخود راه نمیدهند و اختلاف نظر فقط در استنتاج و انطباق قانون باقتضایا و مسائل مورد رسیدگی میباشد.

در بین بریسترها افرادی که خدمات برجسته‌ای انجام داده و یا آثارگران بهائی منتشر نموده‌اند بمقام Q. C. ارتقاء پیدا مینمایند Q. C. مخفف Queens Counsellor به معنی «مشاور ملکه» میباشد و داشتن این عنوان افتخار بسیار بزرگی است.

بریسترها و خاصه افرادی که دارای عنوان Q.C. میباشند ملبس به لباده وکالت با گیسوی عاریتی بوده و با همین شکل از دفتر کار خود رهسپار دادگاه میشوند و این هم یکی از سنن ملت انگلیس میباشد.